

اعلامیه سه ماده ای جبهه ملی ایران

ملت شرافتمند ایران:

نزدیک به بیست و پنج سال پیش، در بهمن ۱۳۵۷، با یک دنیا آرزوی طلایی انقلاب پر جوش و خروش ایران به پیروزی رسید. هدف نهایی از این انقلاب، بهتر شدن اوضاع کشور، رهایی ملت از یوغ استبداد، پاک شدن نهاد های حکومتی از فساد و از مندی و رفع تبعیض و انحصارگرایی بود، که فرصت پیشرفت کشور و سربلندی ملت را در جامعه جهانی نوید می داد. برای امکان دستیابی به این آرمانها و هدفها بود که ملت ایران از دولت موقت انقلاب استقبال کرد. ولی دیری نپایید که یکباره صنفی از صنوف کشور، یعنی روحانیان، تردستانه و با اخلاص در کار دولت، ارکان حکومت را تسخیر کرده و حاکمیت را یکسره به نام جمهوری اسلامی از آن خود کردند.

این صنف، که پیش از آن کارگزاران امور سیاسی را ظلمه می خواندند، زمام امور و تمشیت سیاست کشور را در دست گرفتند، در حالیکه از هیچگونه تدبیر سیاسی، شیوه اداره کشور و درک روابط بین المللی برخوردار نبودند. در نتیجه، افراد کارآمد و متخصص و با تجربه را به بهانه موهوم نداشتن تعهد و یا بعلت اشتغال به امور اداری در رژیم گذشته، از محیط کار و حتا تدریس دانش و هنر به در کردند و همه قفلهای حساس و پیچیده کارهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را به دست عده ای کم سواد و ناآزموده و چاپلوس سپردند.

نتیجه های بدست آمده و آزمایشی که در طول بیست و پنج سال به ظهور پیوسته است، به گونه ایست که برای همه روشن می باشد. فهرست مختصری از آنها عبارت است از:

۱- از جهت اقتصادی: سقوط چشمگیر ارزش ریال، تورم شدید، گرانی روزافزون، نزول طبقه متوسط به فقر و قشر فقیر به زیر صفر، صعود گروهی خاص به نام آقازاده ها و خودی ها به قله بلند ثروت، اسراف و تبذیر در بیت المال و هزینه های گزاف و تکراری برای تشریفات و تبلیغات خود بزرگ بینی ها.

۲- از جهت اجتماعی: اعتیاد گسترده و خانمانسوز به مواد مخدر بویژه کبری از جوانان، شیوع فحشا، نبود امنیت و فور فجایع و سرقتهای مسلحانه همراه با قتل در پایتخت و شهرستانها، نادیده انگاشتن شهروندان سنی مذهب نسبت به شیعیان، فراهم ساختن فرصت برای ترویج دیدگاههای تجزیه طلبی مانند اندیشه پان ترکیسم و پان عربیسم، گریز مغزهای متفکر به خارج، رواج دین ستیزی در اکثر جوانان، مهاجرت میلیونها نفر تحصیل کرده به سراسر جهان، تبعیض و ترجیح بسودا و بستگان به حاکمیت در همه موارد.

۳- از جهت سیاسی: عدم اجرای آن اصول از قانون اساسی که بسود ملت و ضامن آزادیست، تقسیم شهروندان به خودی و غیر خودی، دو درجه ای کردن انتخابات مجلس شورا و ریاست

جمهوری به وسیله نظارت استصوابی شورای نگهبان، توقیف دسته جمعی روزنامه ها، ایجاد جو خفقان، تکفیر، نابسامانی در سیاست خارجی و نداشتن موضع صریح و نامتناقض در موارد حساس سیاسی، از دست دادن فرصت های طلایی استراتژیک، خشونت به وسیله گروههای تنش، انبوهی زندانیان، قتلهای زنجیره ای پر شمار به عناوین گوناگون، فقدان امنیت برای شهروندان و تهدید آن بوسیله باندهای ناشناخته، کمک های مالی کلان به کشورها و برخی گروههای بظاهر هوادار جمهوری اسلامی، تکثر مراکز تصمیم گیری در اداره امور در سطح کشور، مصونیت نداشتن نمایندگان مجلس شورا و وکلای دادگستری، تعبیر هر نوع انتقاد از نابسامانی دستگاه های اداری یا موضوعات دیگر به عنوان تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی.

۴- از جهت قضائی و اداری: شیوع فساد و رشوه خواری در ادارات، نا بهنجاری و خرابی قوه قضائیه و رواج رشوه ستانی، تشکیل دادگاههای اختصاصی برخلاف قانون اساسی، انحلال دادسراها و زینهای شدید آن، به کار گماردن افراد بی صلاحیت در کارها و مشاغل مهم، صدور رای های غیر عادلانه و بی پروایه در دادگاهها. اینها که بطور اجمال نگارش یافت، بخشی از پاسخها یی است که جمهوری اسلامی به انقلاب کنندگان

امیدوار و منزجر از حکومت دیکتاتوری سابق داده و، در نتیجه، این گونه عملیات برخلاف انتظار، مقبولیت و مدیریت رژیم را زیر سوال برده است. آیا ملتی که با امید بهتر شدن وضعیت و رهایی یافتن از قید و بند استبداد، انقلاب کرد چنین انتظاراتی از خیزش خود داشت؟ در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶، و نیز در دوره دوم آن، به علت نویدهای موعود، کثرت آرای داده شده به وسیله مردم علی رغم حاکمیت بود، و در انتخابات شورا های سال ۸۱، عدم استقبال مردم به جهت مخالفت با حاکمیت، زیرا امید مردم، به علت راکد ماندن اصلاحات، و عدم تحقق وعده های رییس جمهوری، به ناامیدی گراییده بود.

پیدا است که تا چارچوب حکومت دینی به این منوال است و چرخهای حاکمیت پیرامون محور خودکامگی می چرخد، هر گونه امید به بهتر شدن اوضاع بیهوده است و بیم آن می رود که نارضایی عمومی، با توجه به سختی معیشت، نبود آزادی و بیکاری جوانان، کار کشور را به مراحل هولناک و غیر قابل پیش گیری بکشاند.

در روزهای اخیر، حمله امریکا و انگلستان، حزب منفور بعث و صدام حسین را سرنگون کرده و کشور ما را از تدامم و تداوم بد اندیشی های او فارغ ساخته است. امریکا هم اکنون در